

باسم دوست یکتا

ای پسر عم حمد کن خدا را که این نسبت کبری قطع نشد و سبقت
گرفتی از جمیع ذوی القربی تا آنکه در سجن اعظم بزیارت جمال قدم فائز
شدی * این فضل را غنیمت شمار چه که باو معادله نمیکند آنچه در آسمان
و زمین خلق شده * بحول و قوه رحمانی و اذن و اجازه الهی بوطن راجع شو
و بذکر دوست ذاکر باش باید بشأنی رفتار نمائی که رائجه قمیص مختار را
جمیع اهل دیار از تو بیابند نسبت خود را حفظ کن و در وعاء توکل و
انقطاع و صدق و صفا محفوظ دار بسجایای الهیه مابین بریه ظاهر شو تا
جمیع ناس از تو مشاهده نمایند آنچه را که لدی الحق محبوبست * از دنیا و
امورات محدثه در آن محزون مباش چه که باقی نبوده و نخواهد بود و ما هو
الفانی لایلتفت الیه عباد مکرمون * بسا از اهل عزت که آنی بذلت مبتلا
شدند و بسی از صاحبان غنا که بفقر راجع گشتند * پس امری طلب کن
که عزت او را ذلت از پی نباشد و غنای او را فقر ادراک ننماید لعمری انه
هو التمسک باسمی و التثبت بذیلی المقدس المنیر * احبای حق از ذوی

القربى و دون آن کل را از قبل این مسجون تکبیر برسان * و اگر جناب اسم معروف را ملاقات نمودی تکبیر برسان قل لم منعت عن الذی فدی فی سبيله الملاء الاعلی بارواحهم و قرّت به عیون المقرّبین چه شده شما را که بکمال خوف و اضطراب مشاهده میشوید؟ تفکر در حالت نفسی نما که بروح القدس امر مبعوث شد و فردا واحدا بلوح الهی بمقرّ معهود توجّه نمود و بکمال قدرت و اطمینان رسالات رحمن را تبلیغ نمود و ابدًا سطوت و غضب او را مضطرب نمود * هل تخاف من نفسک او عمّا عندک؟ استمع ندائی من شطر البلاء و لا تمنع نفسک عمّا قدّر فی ملکوت البقاء اقبل بکلک الی الله و لا تخف من الذین ظلموا و لو تريد ابقاء نفسک فاسئل الله ربّک انه یحفظک لو تکون فی قطب البحر او فی اودية النار او فی فم التماسح او بین سیوف الظالمین * تالله الحق لا تتحرک ورقة الا بعد اذنه و لا تمرّ الاریاح الا بارادته و لا یتنفس ذو نفس الا بمدده دع الاوهام و تمسک برّبک العزیز العلام * انا نصحناک خالصا لوجه ربّک لانا لا نحبّ ان یقطع حبل نسبتک الی الله العزیز الحکیم * و اذکر اذ کنت فی السّجن و نصرک الله بالحقّ و حفظک بجنود الغیب و الشّهادة الی ان اخرجک بسلطانه و جعلک من الفرحین * انا کنا معک فی السّجن و وجدنا منک رائحه الاقبال علی قدر

لذا نجيناك كما نجينا من اردنا اذ كان بين ايدي الغافلين * ففكر فيما القينا عليك لعلك تنتبه بذكرى و تذكر فضل ربك بين العباد انه هو العليم الخبير كن على شأن لا يشغلك المال عن المال و لا الاسباب عن مسبب الاسباب استمع قول من يحبك و يريد لك ما اراد لنفسه ضع الدنيا كلها و خذ ما اوتيت من لدن مقتدر قدير * هل رضيت بالحياة الفانية و تركت الحياة الباقية لعمرى هذا لا ينبغي لك لو كنت من العارفين * فيا ليت فديت في حب الله مرة بعد مرة و صبغ كل آن كل ارض بدمى في سبيل الله رب العالمين * آخر چرا تفكر نمينمايد ايام گذشت و عمر بانتهارسيد، حال خود انصاف ده در آخر ايام انسان در فراش بزحمت امراض و شدت اوجاع جان بدهد بهتر است يا آنکه آن چند يومی که از عمر باقی مانده در سبيل الهی فدا نمايد؟ قسم بجمال قدم الاوّل خسران و الآخر روح و ريحان * زهی حسرت و ندامت که نفس انسانی چند نفسی که از جان عاريتی باقی مانده در ره دوست فدا نمايد و در فراش غفلت بعد از آشامیدن دواهای مکروهه منتنه رديّه تسليم نمايد فاصدقني اي الامرين احق قل الكلمة الاولى و ربي الاعلى و مالک العرش و الثرى * مقصود آنکه احبای حق نبايد مضطرب و خائف باشند بلکه بايد شهادت را در سبيل دوست فوز عظيم

شمرند اگر واقع شود نه آنکه خود را در مهالک اندازند چه که در این ظهور کل بحکمت مأمورند * بشنو ندای مظلوم را که در منتهای شدت و بلا و هموم و غموم ترا بحق میخواند از عالم و عالمیان منقطع شو و در ظلّ رحمتش مأوی گیر * ثمّ اعلم بأنّ حضر تلقّاء الوجه احد و ادّعی بانه رءاک و قال انک قلت بانّا لا نرسل الیک لوحا من بعد اذا بکت عین شفقتی لفسک *

فو الذی انطقنی بثناء نفسه بین الارض و السّمآء لو وجدت عرف القمیص و قرأت لوحا من الواح ربّک الّتی ارسلناها الیک لفدیت بنفسک و ما عندک لکلمة منها و رضیت بان تُقتل فیکلّ حین الف مرّة و لا ینقطع عنک عرف قمیص القدم و نسمة الله الّتی تمرّ من شطر اسمه الاعظم * لم ادر بایّ شیء منعت عن هذا الفضل الاکرم و تُرکت بین الظّنون و الاوهام؟ تدارک یا اخی ما فات عنک و اقبل الی قبلة العالمین و قل اقبلت بکلی الیک یا فاطر السّموات و الارضین فاعف عنّی ما غفلت فی جنبک انک انت مولی العالمین * ایّاک ان تمنعک الحمیّة عن مالک البریّة دع الهوی و تمسک برّبک الابهی هذا خیر لک و کان الله علی ما اقول شهیدا * و دیگر اهل قریه هر که را مقبل الی الله دیدی من قبل الله ذاکر شو و بگو محزون مباشید از آنچه بر شما وارد شده چه که بر جمال قدم اعظم از آن وارد و حال در

سجن اعظم ساکن و بشأنی امر شدید است کہ باب خروج و دخول را مسدود نموده‌اند و لکن در کمال روح و ریحان بذکر رحمن مشغولیم * محزون باشید از آنچه بتاراج رفت زود است کہ جمیع من علی الارض بذکر شما ذاکر شوند اجر هیچ نفسی ضایع نشده و نخواهد شد آنچه از زخارف دنیویہ در سبیلش از شما اخذ شد البتہ در دنیا عطا خواهد فرمود و در عقبی مقاماتی کہ اگر یکی از آنها بر اهل ارض ظاهر و هویدا شود انفس خود را در سبیل دوست فدا نمایند رجای آنکہ بآن مقرّ اقصی فائز گردند * بشنوید وصیت جمال قدم را کہ از شطر سجن اعظم شما را ندا میفرماید بغی و طغی را بگذارید و بتقوی متمسک شوید نفوس خود را از اعمال شیطانیہ مقدّس نمائید و بطراز الهیہ مزین دارید فساد و نزاع شأن اهل حقّ نبوده و نخواهد بود از اعمال شنیعه اجتناب نمائید و در مسالک تقدیس و تسلیم و رضا سالک شوید جهد نمائید تا صفات و اخلاق الهیہ از شما ظاهر شود و بکمال استغنا و سکون مابین بریہ مشی نمائید و با کمال عدل و انصاف با یکدیگر معامله کنید خیانت را بامانت و غیبت را بتزکیہ نفس و ظلم را بعدل و غفلت را بذکر تبدیل نمائید * اینست نصح رحمانی کہ از فم بیان مشیت ربّانی ظاهر شده سعی نمائید کہ بلکہ باعانت الهیہ آنچه در ملکوت

تقدیر مقدر شده باعمال شنیعه تغییر نیابد و تبدیل نشود در کلّ احیان از مقصود عالمیان آمل و سائل باشید که شما را از فضل و عنایت خود محروم نفرماید و در ظلّ شجره اثبات و سدره اسما و صفات منزل دهد و السّلام علیکم من لدی الله مولیکم القدیم و الحمد لله العلیّ العظیم *